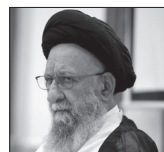


گلدشت

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

یکشنبه ۱۶ دی ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۹۰۸ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان



کشورهای اسلامی اختلافات را کنار بگذارد



برای هفده دی



قهرمان ها



مزون نوژا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم

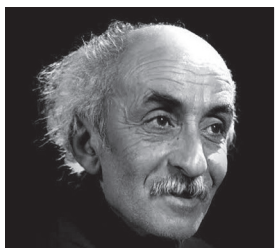
شامل ماتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز

سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۲۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

یادداشت اول

نیما یوشیج



با مسوولیت سردبیر

شانزدهم دی ماه را روز درگذشت نیما یوشیج ثبت کرده اند. شعر و نثر فارسی رکن استوار فرهنگ منطقه ای به وسعت خراسان بزرگ فرهنگی قدیم است. ماندگاری یک زبان در طول تاریخ علاوه بر اختصاصات ذاتی و نحوی آن به زمان شناسی منتقدان، شاعران و نویسندگان آن زبان نیز بستگی دارد چه بسیار زبانهایی که در جنگ ها و مقابله های بزرگ تاریخی و فرهنگی از میان رفته اند و چه بسیار گویش ها که اندک اندک از چرخه روزگار حذف شده اند. مصریان زبان خود را در حمله اعراب از دست دادند و اندک اندک خود را از هویت قبلی نیز تهی دیدند. ایرانیان اما به مدد وجود فردوسی بزرگ توانستند افسانه ها و داستان های اقوام ایرانی را که در دهانها می چرخید نگه دارند و اندیشه ایرانی شیری و حکمت خسروانی را به زبان مادری پس از حمله اعراب به نسل بعد از خود انتقال دهند. پس از آن دیگرانی چون خاقانی، نظامی، جامی، فرخی سیستانی و سپس حافظ و مولانا و سعدی و ... هر قری زبان فارسی را به غنایی رساندند که به لحاظ جایگاه در ادبیات جهان اگر نگوئیم بی نظیر قطعاً کم نظیر است. نیما یوشیج نیز یکی از آن تاثیرگذاران بر ساختار شعر فارسی است که توانسته است با غنای تکنیکی، بر سرمایه های شعر فارسی قالبی به نام خود را در کنار قالبهایی مانند غزل و قصیده، رباعی و دوبیتی به قالبهای شعر فارسی اضافه نماید، از این منظر قالب نیمایی زمینه ساز ظهور شاعرانی مانند سهراب، فروغ، اخوان، توللی، نادری، شاملو و دهها شاعر مدرن و نیمه مدرن در دوران معاصر است و توانست با نشان دادن راهی نو هم در مضمون و هم در فرم شعر، زمینه بروز خلاقیتها و زیبایی های زبان فارسی را در دوران معاصر استمرار دهد. کاش انجمن های شعر و ادب در گلستان به بهانه چنین مناسبتیهای با برپایی بزرگداشت و نقد و بررسی های ادبی و یا برگزاری شب شعر زمینه را برای گسترش این مبادلات فرهنگی غنیمت می دانستند.



بودجه و زیرساخت نیاز سومین دیوار دفاعی جهان

« ۸ »



آنچه یاد می گیرند و چیزی که درس می دهند

« ۷ »



آیه های زمینی

« ۵ »

آشنایی با پهلوانان



محمد جواد مکتبی - گرگان در روزهای آخر هفته گذشته با پهلوانان دیار خود آشتی کرد. در این روزها از پس سالها که گلستان تشک کشتی را فراموش کرده بود، خیابان های مرکز استان تصویرهایی را به خود دید که در تمام این سالها، ندیده بود یا کمتر دیده بود. چهره های قهرمانان سابق کشتی ایران و جهان که نامشان دیگر در خاطره ها نیست. از پهلوان قربان توان که همین یکی دوسال پیش در بندرگز به گمنامی از دنیا رفت و یا پهلوان رمضان خدر که روحش شاد باد در کنار تصاویر قهرمانانی مانند داوود قنبری که توانسته بود در هنگام قهرمانی یکی از هفت شکست نابغه روس ها ساینتیف را به او تحمیل کند در کنار تصاویر عیسی و موسی مومنی و تصویر پدر قهرمانشان علی محمد مومنی در خیابان ها نصب شده بود، در کنار این پهلوانان تصویر اویس ملاح قهرمان بی ادعایی که هم اینک نیز فاغ از هیاهو در نوکنده در باشگاهی بی سر و صدا به آموزش کشتی گیران می پردازد خوبی نشان می داد و در نهایت بهمن طبیعی که گویا آخرین نسل قهرمانی این دیار بوده است و پس از او هیچ نشانی از قهرمانی کشتی در خاطرات گلستان ثبت نشده است را بر کوی برزن گرگان نصب کرده بودند. در کنار اینها حضور قهرمان نام دار ایرانی حسن یزدانی به همراه کامران قاسمی، رحمان عموزاد به همراه مربیان تیم ملی کشتی حال و هوای شهر را

کمی ورزشی کرد. هر چند گلستان سالهاست با قهرمانی در این ورزش ریشه دار واقع کرده است و دیگر هیچ جایگاهی در کشتی ایران ندارد و روزگار اویس ها و قنبری ها و طبیعی ها به پایان رسیده است، اما چنین اتفاقاتی می تواند به بازگشت گلستان به کشتی کمک کند. قدرتی از بزرگان و به میدان آوردن آنها می تواند زمینه ای برای گام نخستین باشد. باید با تلاش، برنامه ریزی و سپردن میدان به مدیران کار آزموده و توانا و کشف استعدادها با استعدادیابی و میدان دادن به مربیان خلاق دوباره شاهد تولد قنبری، ملاح، مومنی، طبیعی و خدر و ... باشیم، لازم به یاد آوری است همانگونه که در خبرها خوانده و شنیده اید، رقابت های کشتی قهرمانی کشور انتخابی تیم ملی با حضور ۳۵۷ کشتی گیر به میزبانی هیات کشتی گلستان در سالن امام خمینی (ره) مجموعه ورزشی آزادی گرگان برگزار شد و قهرمان های کشور شناخته شدند. نتایج فردی و تیمی در پایان بازی ها چنین رقم خورد که نشان از بیرون ماندن گلستان از کود کشتی دارد

۵۷ کیلوگرم
۱- میلاد والی آرده (مازندران)
۲- هادی رضایی (قم)
۳- علیرضا سرلک (لرستان) و اهورا خاطری سهمیه جوانان
۵- مهلی رسولی آذربایجان (غربی) و علیرضا گودرزی سهمیه تهران-۷- مهلی ویسی

۷۰ کیلوگرم
۱- ابراهیم الهی سهمیه جوانان
۲- علی اکبر فضلی (مازندران)
۳- مرتضی قیاسی (لرستان) و محمد حیدری (تهران)

۵- امیر مهلی مقدم داوطلبی خراسان رضوی - محمد زمانی (توابع تهران) -۷- مهلی مازنی گلستان - عرفان نجف نژاد (آذربایجان شرقی) -۹- محمد ورمزبار (همدان) -۱۰- علیرضا عجمی (کرمانشاه)

۷۴ کیلوگرم
۱- حسین ابوذری (مازندران)
۲- حسین محمدآقایی (سهمیه البرز)
۳- آرشاور اسماعیلی (سهمیه مازندران)
و محمد بخشی (سهمیه مازندران) -۵- محمد مهلی میوند سهمیه (جوانان) و محمد رضا عسکرپور (فارس) -۷- مبین رزقی سیستان و بلوچستان -۸- شایان حسامی (کردستان) -۹- محمد میراحمدی (لرستان) -۱۰- امیرحسین حسینی (تهران)

۷۹ کیلوگرم
۱- فریبرز بابایی (مازندران)
۲- عرفان الهی سهمیه مازندران
۳- جمال عبادی (خوزستان) و علیرضا کریمی (تهران)
۵- ابوالفضل حسینی سهمیه جوانان و علی کریمی (همدان) -۷- حسام عرب زینلی (سمنان) - وحید اسماعیل زاده (توابع تهران) -۹- عادل پناثیان سهمیه (مازندران) و عبدالله شیخ اعظمی سهمیه مازندران

ادامه در صفحه ۲

کشورهای اسلامی اختلافات را کنار بگذارد

اگر سخنی اختلاف‌انگیز بر زبان بیاورد بر خلاف قرآن کریم عمل کرده است. نورمغیلی با اشاره به اینکه وحدت و همدلی و دوری از اختلاف و درگیری بین امت اسلامی از نماز هم واجب‌تر است، گفت: وحدت علاوه بر جنبه سیاسی و اجتماعی، مساله‌ای ریشه‌دار است و بیش از همیشه به گوش سپردن و عمل به آیات قرآن کریم نیاز داریم. وی با بیان اینکه دشمن به دنبال اختلاف و تفرقه است، تاکید کرد: امت اسلامی باید بیش از پیش در راستای وحدت و همدلی گام بردارد و مراقب باشند در دام دشمن گرفتار نشوند. نماینده ولی فقیه در گلستان وجود وحدت و همدلی در گلستان را نعمت الهی برشمرد و افزود: رهبر معظم انقلاب نیز استان گلستان را نه تنها برای ایران اسلامی که برای دنیا یک الگو دانستند.



در برابر دشمن و توکل بر خداوند تا پیروزی در نبرد تاکید کرده است. امام جمعه گرگان با تاکید بر اینکه آیات قرآن کریم مختص زمان خاصی نیست و هر کلام از آیات آن در زمان فعلی حامل پیام است، بیان کرد: امت اسلامی

نماینده ولی فقیه در گلستان خواستار تشکیل کنگره بین‌المللی کشورهای اسلامی شد و گفت: امت اسلامی باید اختلافات را کنار بگذارد و پیام الهی در زمان فعلی را متناسب با زبان و منطق و فرهنگ دنیای امروز به جهانیان مخابره کند. به گزارش روابط عمومی، آیت‌الله سید کاظم نورمغیلی در نشست صمیمی علمای اهل سنت و نخبگان استان گلستان با دستیار ویژه رئیس جمهور و رئیس شورای امور اقوام، ادیان و مذاهب اظهار کرد: وحدت مذاهب، یک اعتقاد دینی و از منشا قرآن کریم است و این کتاب آسمانی همواره بر وحدت و همدلی تاکید دارد. وی افزود: خداوند در سوره آل‌عمران تاکید کرده، امت اسلامی در مقابل بشر مسوول است. همچنین خداوند در آیاتی دیگر از قرآن کریم نیز بر ضرورت ایستادگی و مقاومت



۸۶ کیلوگرم

نظرها

- ۱- امیدرضا سهیلی (البرز)
- ۲- محمد حسین نوروزیان (کردستان)
- ۳- حمیدرضا علی بخشی (تهران) و محسن رضایی سهمیه (مازندران)
- ۵- علی غلامی آذربایجان شرقی و محمدجواد صالحی (مازندران) - هادی وفائی پور (همدان)
- ۸- مهدی شایسته (خراسان رضوی) ۹- رضا سلیمانیان سهمیه (جوانان) ۱۰- عارف رنجبر (قشم)

۹۲ کیلوگرم

- ۱- محمد مبین عظیمی (کردستان)
- ۲- فاضل پوررجب (مازندران)
- ۳- سید محمدحسین میرباغبان سهمیه (تهران) و مسعود مددی (البرز)
- ۵- حسین رسولی (همدان) و جواد فتح خانی (تهران) ۷- علیرضا صابریان (سهمیه - دانیال لسانی سهمیه مازندران) ۹- علی موجولو (گلستان) ۱۰- سجاد حسین آبادی خراسان رضوی

۹۷ کیلوگرم

- ۱- مجتبی گلپنج (مازندران)
- ۲- ابوالفضل بابالو (تهران)
- ۳- احمد بذری سهمیه (مازندران) و عرفان علیزاده سهمیه جوانان
- ۵- علیرضا رکابی سهمیه مازندران و میلاد آقایی سهمیه تهران - مصطفی نجفی (خراسان رضوی)
- ۸- علیرضا عبدالهی سهمیه (تهران) - امید کریمی (البرز)
- ۱۰- سعید مرادی (قزوین)

۱۲۵ کیلوگرم

- ۱- سید مهدی هاشمی (مازندران)
- ۲- مرتضی جان محمدزاده (آذربایجان شرقی)
- ۳- سجاد بوداغانی سهمیه (مازندران) و محمدرضا بیگی سهمیه (تهران)
- ۵- رضا صارمی (لرستان) - مصطفی طغانی (خراسان رضوی) - آریین ذوالعلی (کرمان) ۸- امین طاهری (تهران) ۹- عباس لشکری (البرز) ۱۰- سهیل پری نژاد سهمیه (تهران)

رده‌بندی تیمی

- ۱- مازندران ۱۷۱ امتیاز
- ۲- تهران ۱۰۳ امتیاز
- ۳- خراسان رضوی ۶۱ امتیاز
- ۴- لرستان ۵۹ امتیاز
- ۵- البرز ۵۶ امتیاز
- ۶- کردستان ۵۱ امتیاز
- ۷- همدان ۴۲ امتیاز
- ۸- آذربایجان شرقی ۳۳ امتیاز
- ۹- فارس ۲۴ امتیاز

۱۰- قم ۲۰ امتیاز در نهایت گلستان هم به یک هفتمی در وزن ۷۰ کیلو به وسیله مهدی مازینی گلستان و یک نهمی به دست علی موجولو در ۹۲ کیلو بسته کرد.

گاز بیش از ۴ هزار باغ و بلا قطع شد

مدیرعامل شرکت گاز گلستان از قطع گاز ویلاهای خالی از سکنه در گلستان خبر داد و گفت: به منظور پایبندی جریان گاز مشترکان خانگی گاز چهار هزار و ۲۰۰ باغ ویلای خالی از سکنه قطع شد. به گزارش روابط عمومی، علی طالبی تأمین گاز بخش خانگی و تجاری را از اولویت‌های شرکت گاز برشمرد و اظهار کرد: با توجه به برودت هوا تمهیدات لازم طی روزهای اخیر اندیشیده شد که

از جمله آنها شناسایی باغ ویلاهای خالی از سکنه است. وی با اشاره به اینکه برخی از صاحبان باغ ویلاها در طول هفته وسایل گرمایشی خود را روشن نگه داشته تا در انتهای هفته به باغ ویلاهای خود مراجعه کنند، افزود: به منظور پایبندی جریان گاز مشترکان خانگی گاز چهار هزار و ۲۰۰ باغ ویلای خالی از سکنه قطع شد. مدیرعامل شرکت گاز گلستان گفت: قطع گاز باغ ویلاهای خالی از سکنه

و سکونت گاه‌های غیردائمی با هدف مقابله با هدر رفت گاز و حفظ پایداری جریان شبکه گاز کشور بوده که این امر توسط تیم‌های پایش با جدیت هر چه تمام در حال انجام است. وی همچنین خواستار همکاری همه مردم در فرآیند اجرای دستورالعمل‌های مرتبط با قطع گاز شهرک‌های خوش نشین و بلااستفاده و همچنین ویلاهای خالی از سکنه در راستای کمک به گرم ماندن منازل هم‌نوعان خود شد.

مدیر کل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان خبر داد:

واریز ۷۸۰ میلیارد تومان به حساب شهرداری های استان

تسهیلات به شهرداری خان بیین و شهرداری صادق آباد پرداخت شده است. مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان تصریح کرد: با توجه به اینکه قانون تجمیع عوارض، شهرداری‌ها را از اخذ برخی عوارض منع کرده و آن را به عهده سازمان امور مالیاتی گذاشته است، این سازمان پس از دریافت مالیات و عوارض در دو بخش ملی توسط وزارت کشور و بخشی هم توسط اداره کل مالیاتی استان بین شهرداری‌ها تقسیم می‌شود.

افزایش داشته است. به گزارش روابط عمومی، سید محسن حسینی اظهار کرد: از این مبلغ ۵۷۸ میلیارد تومان توسط وزارت کشور و از محل بند الف ماده ۳۹، بند ب ماه ۳۹، ماده ۴۲، ماده ۵۸ و یازانه بلیط بوده که به حساب شهرداری‌ها واریز شده است. وی بیان کرد: در بخش استانی نیز ۲۰۰ میلیارد تومان در چند مرحله به حساب شهرداری‌ها واریز شده است که از محل مالیات ارزش افزوده است. حسینی افزود: حدود ۲۲۵ میلیارد تومان نیز تحت عنوان

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان خبر داد: واریز ۷۸۰ میلیارد تومان به حساب شهرداری های استان مدیر کل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان گفت: در ۹ ماهه سال ۱۴۰۳ از محل اعتبارات مختلف توسط وزارت کشور و توسط اداره کل مالیاتی، مجموعاً ۷۸۰ میلیارد تومان به حساب ۳۶ شهرداری استان واریز شده است که از مبلغ پرداختی در کل سال گذشته پیشی گرفته و نسبت به مدت مشابه سال قبل نیز ۴۱ درصد

رئیس هیات کشتی گلستان گفت: ۱۴ زندانی مالی جرایم غیرعمد از محل درآمد بلیت‌فروشی رقابت‌های کشتی قهرمانی کشور در گرگان آزاد شدند. به گزارش روابط عمومی، علی‌اکبر بصیرنیا اظهار داشت: با کمک ستاد و هیات کشتی استان، بلیت‌فروشی با هدف آزادسازی زندانیان جرائم مالی غیرعمد انجام شد. وی بیان کرد: حدود ۱۵ هزار نفر از مردم و علاقه‌مندان با خرید بلیت، مسابقات کشتی قهرمانی کشور را مشاهده کردند که عواید حاصل از فروش این تعداد بلیت در اختیار ستاد دیه قرار گرفت. رئیس هیات کشتی گلستان خاطر نشان کرد: این دوره از مسابقات می‌تواند به تعادل کشتی‌گیری که علاقه‌مندان هستند اضافه کند. رئیس هیات کشتی گلستان یادآور شد: یکی از فواید مسابقات این بود که حامیان مالی که پیش از این برای سرمایه‌گذاری اعتماد نداشتند، وارد میدان شوند.

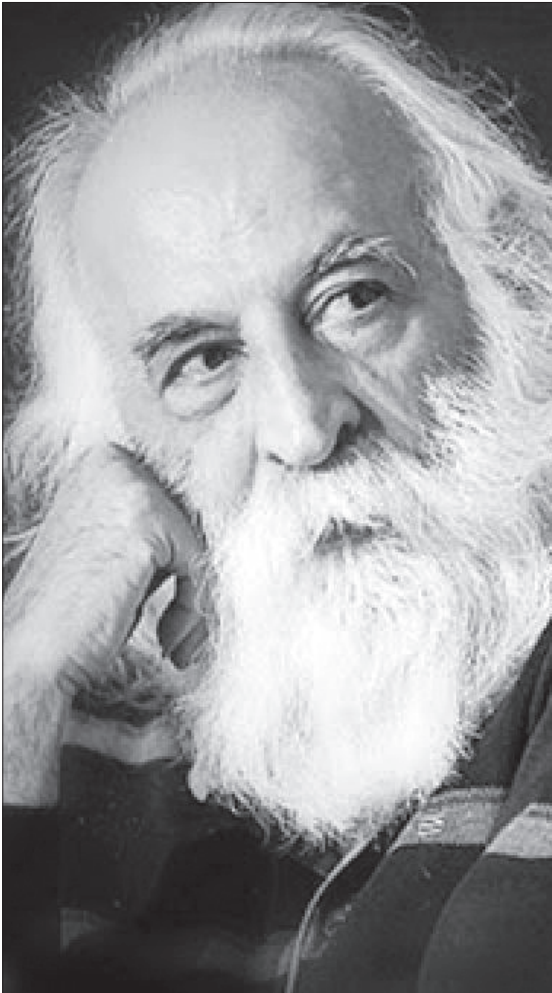
تماشاگران کشتی ۱۴ زندانی مالی را آزاد کردند

هفت شکارچی غیرمجاز دستگیر شدند

رئیس اداره حفاظت محیط زیست گنبدکاووس از دستگیری هفت نفر شکارچی غیرمجاز حین شکار پرندگان مهاجر در تالاب بین‌المللی آلاکل این شهرستان خبر داد و بیان کرد: متخلفان با تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شدند. به گزارش روابط عمومی، احمد احمدی افزود: مأموران یگان حفاظت اداره محیط زیست حین گشت و کنترل زیستگاه‌های آبی گنبدکاووس در تالاب بین‌المللی آلاکل و دریاچه شور حاشیه این تالاب، شکارچیان متخلف را شناسایی و دستگیر کردند. احمدی ادامه داد: از این شکارچیان ۶ قبضه اسلحه شکاری مجاز و یک قبضه اسلحه شکاری قاچاق و یک قطار فشنگ و ادوات شکار، کشف و ضبط شد و متخلفان با تشکیل پرونده به مرجع قضایی بخش دانشلی برون گنبدکاووس معرفی شدند.

برای هفده دی

زادروز استاد محمدرضا لطفی



حمید رضا مشکانی - خلاقیت استاد محمدرضا لطفی فراتر از پایین آوردن دسته ساز است که بیشتر مَش محسوب می‌گردد تا آفرینش. در فقره و مبحث «خلاقیت» رفعت و فراز ایشان، به نسبت، بیشتر در نوع اجرا و ارائه‌ی موسیقی بود تا در خود موسیقی (در آفرینش آثار که یک‌تنه از بسیار هم بیش‌اند). به عبارت دیگر، تأکید ایشان بر «ساختار نوین» بود، ولی گوش‌ها و ذهن‌های عادت کرده،



در برابر این شکل و قالب، در مقابل این ساختار، تنها محتوی می‌شنیدید! استاد لطفی در این باره مرجع هستند ابتدا به نجات و صلابت آسیب‌شناسی موسیقی را مهم می‌دانستند و بر اساس خلدن‌ها و لطامات، باز نیز برخلاف جهت آب با تمام مشکلات یک‌تنه سباحه و مقابله کرد و با حفظ سنت و اصالت، ساختارهای فرسوده پوچی و یاوگی و بی‌ثمری را شکست، با ایجاد گروه‌های عذیده همراه خوانندگان متعدد و البته همه جوان...! دو دیگر و مهم‌تر، نحوه نوگرایی در «اجرای صحنه‌ای» آن هم به دور از «مطایبه» که پیش از ایشان کسی بر گرایش‌های نوین اجرا، هرگز اهمیتی نمی‌گذاشت، (و پس از استاد) همچنان تا امروز هم نمی‌گذارد. در مقابل، استاد لطفی به قوت، رعایت نوب بودن را در این باب داشتند، به‌طور مثال محبوب‌ترین عوامل در اجرای یک موسیقی «شاعر» است، به‌ویژه که در سراسر اجرا، فقط از شعر یک شاعر استفاده کرد. جناب استاد این تجلیل و اعزاز بزرگداشت گونه بدیع را ترتیب دادند که یکی از جاودان مانان «نیما یوشیج» که در استادی به تمام است و در محجوبی به کمال، است «هوشنگ ابتهاج»؛ چون ارتباط ایشان با مردم بسیار زیاد، ولی ناگزیر، به قاعده ناخوسته روش اجرای صنف شعر، دوردور بود؛ ایشان را به روی صحنه آوردند و در یک معاینه شمس-مولانایی که گویی ندانستی شمس کلام است و مولانا کلام، به توأمانی تواضع و تفاخر، وجه بدیعی از موسیقی را به مخاطب عرضه نمودند و در یادها باقی. این نو بودن به همین جا ختم نگشت، از این دست بسیار است، تا به حدی که یک‌تنه (در عقیده و اندیشه)، به همراهی استاد قوی حلم، در زمانه‌ای که فرهنگ پنهان و (به نظر) مرده خانقاهی ایران امکان دیده شدن نداشت و مردم از گرفتاری مجال رفتن و دیدن (تماشا) و گهگاه فرصت پذیرفته شدن نیز نداشتند، خانقاه را به روی صحنه آورد ولی این به نمونه، با مجموعه اجراهای دیگرانی چون جناب «داوود آزاد» تفاوت می‌کرد، که جناب آزاد، درویش است و استاد لطفی درویش مسلک. اجرای آقای آزاد بیشتر کنسرتی است و استاد لطفی، خانقاهی! چرا؟ زیرا به طور مثال جناب آزاد در باب آواز، به علت دقت در اجرای دستگاه و توجه به آموزه‌های ردیف آوازی و... که امتیاز و مزیتی بسیار لازم و مهم است و همچنین احترام به مخاطب، موفق عمل می‌نمایند، ولی جناب استاد لطفی، چون از فنون آواز، تنها صدای گرم داشتند و خواندن در دستگاه آوازی را نیز از دانستن موسیقی، دارا بودند، لاجرم از صنایع (تحریرهای ویژه) آوازخوانی استفاده‌ای مطابق اصول و قواعد معمول نمی‌برند و همین بی‌تکلفی و بی‌شائبگی در آواز، توفیقی شد ذاتی، طبیعی و بکر به اصالت که اثر ایشان را دود صد چندان از اجرای دیگران زاده‌تر و خانقاهی‌تر کرده بود (باشد که احیاء تن خسته این بدیع را از علقه و نظر دور نداریم و همت بر آن گماریم تا این نوع آواز نیز برجسته و مرسوم گردد تا باز به پشت دروازه‌های خانقاه برنگردد)، در ادبیات نیز این شانه‌کشی بزرگ-آزینی زیبایی‌بخش (بیان، بدیع، معانی) را «صنعت» گویند. کمبود این صنایع در آواز ایشان به فایده ایشان گشته و حس و حال (احوال‌ات هنری) و فضا را به کمال خانقاهی کرده بود، که اگر هر خواننده‌ای جز ایشان در چنین اجرایی، هرقدر هم به تخصص، استاد آواز بود، هرگز این حس و حال و فضای خانقاهی در نمی‌آمد. برجسته‌ترین خلاقیت ایشان که دیگر شاید در نظر ممکن نباشد کسی بتواند به چنین امری دست ببرد این بود، «بداهه‌نوازی» به معنای حقیقی ناگاه و بداهه! یعنی ممکن است گروهی بداهه‌نوازی کنند ولی از پیش، روند ساختار کلی را پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کرده باشند که در فلان دستگاه پیش درآمدی و سپس درآمدی و در فلان گوشه «شگردد شده» چند تصنیف و... حتی اگر امکان کمی تمرین داشته باشند بدش چنین و چنان و نهایتاً یکی دو تک‌نوازی و سپس قطعه پایانی! این گونه برنامه‌ریزی‌ها شاید احترام به وقت مخاطب به نظر آید ولی به یقین بداهه‌نوازی نیست که در این مورد بسیاری از استاد لطفی ایراد کردند و در اینجا از ایشان به دفاع برخوایم خواست، باید گفت معنای بداهه‌نوازی درست همین است! یعنی هیچ چیز (توجه کنیم) هیچ چیز حتی برای یک‌بار هم برنامه‌ریزی شده نباشد و اجرا گردد! (این از سر ضرب شروع نکردن جناب قوی حلم به‌راستی مشخص بود که نمی‌دانستند درست چه زمانی جناب استاد

همین!) یعنی اعتماد به الهام کننده و در اختیار او درآمدن و در آن واحد هر چه می‌بینی را به موسیقی بدل کردن و نواختن، شکل و شمایل (ساختار = فرم) با لاهوت، محتوا و اندیشه و احساس هم با لاهوت! هر آنچه در دم دریافت می‌داری را هم‌زمان به اشتراک می‌گذاری. این یعنی ثروت، این یک فرهنگ جامع است. فردی که از دوران پیران موسیقی تا عصر مدرن، از شرق و موسیقی غنی هند گرفته تا موسیقی سرخپوستی و پاپیست‌ها و پرهای آمریکا اطلاعات موسیقی دارد و به چندین ابزار موسیقی و آواز نیز مسلط است، اینک نواختن او گنجینه‌ای می‌شود برای آگاهان موسیقی آینده که یا کودک هستند و یا هنوز به دنیا نیامده! حالا فرد با ذهن عادت کرده دانشجائی مرتب و اتوکشیده‌اش ایراد می‌کند که «بهتر بود استاد برنامه‌ای برای فلان کار می‌ریختند!» آخر بیاییم کمی به مفهوم حقیقی بداهه‌نوازی بیاندیشیم و ببینیم همان‌طور که در شعر می‌توانیم از بی‌ارتباطی طولی تصاویر (که به دست ناسوت است) با بی‌ارتباطی عرضی تصاویر (که در اختیار هنرمند ناسوتی است) به ساختگی بی‌ارزش و تقلبی بودن آن شعر به‌راحتی پی ببریم و در عوض با همان‌گونه بررسی ولی این بار ارتباط آنها با هم، به حقیقت، ارزشمندی و اصل بودن اثر اعتقاد کنیم و اجرای استاد این امکان را به ما داده که بتوانیم در سیری از تاریخ ایران به تأویل روان گردیم، ساختار و محتوا که هم‌زمان در یک آن به استاد هبه می‌شده را بررسی کرده تا بشود ارتباط عمودی [موجد لاهوت (از دایره الهام)] [روند تناسب و پیوستگی، کشف انسجام ساختار [کلی میزان‌ها] جملات در امتداد هم، در هر دو سر جمله [پیوند ورودی به جمله بعدی و روند خروج از همان جمله یعنی ورود به هر جمله بعدی (ربط پنهان بین جمله‌بندی‌ها)] [و ارتباط افقی [موجد هنرمند (از دایره افهام)] [ریتیم، ملودی [جمله، هر میزان منفک و یا در اتصال با میزان‌های قبل و بعد (به‌نوعی مفهوم)، زیبایی، عاطفه، فضا و...]] را بشناسیم تا در هنرمندان با دریافت‌های مختلف، معیارهای سنجش سره از ناسره را شناخته و تمیز دهیم. همان‌طور که با بررسی شعری از استاد «مهدی اخوان‌ثالث» می‌توان به طور کامل قسمتی از تاریخ عرضی کشور را مانند یک مورخ بررسی کرد و دریافت که درست و کامل و حقیقی است، آن بداهه‌نوازی استاد لطفی بزرگ نیز به همان صورت قسمت عمیق و عرضی از تاریخ موسیقی و تاریخ فرهنگی و تاریخ اجتماعی و سیاسی این میهن است و تماش هم در دم و به اتصال با لاهوت بوده است. اگر متوجه باشیم درمی‌یابیم که این ممکن نیست مگر دقیق به همین بداهه‌نوازی! در شعر می‌گوییم «الحظه‌احوال شاعری» که تأثیر عاطفی شدید همراه حادثه‌های ذهنی در شاعران، ایشان را به حال و هوای شاعرانگی برده و اگر ارتباط با لاهوت صورت پذیرد آفرینش شعر آغاز می‌گردد؛ چنانچه هومر که (به علت نابینا بودن) یک نویسنده نیست، در حقیقت ایشان یک نقال است، که به زعم بنده پدر نقالی جهان است، زیرا چونان که از سروده‌هایش برمی‌آید، برای مخاطب خود، در حال تعریف کردن است، یعنی متن نوشتاری در کار نیست، چه برای مخاطب، چه برای خود که مانند نویسندگان، نوشته‌ای را در دست گرفته و از رو بخواند، خیر او چیزی که از جان می‌شنیده را بلندبلند فریاد برمی‌ده است، نه حتی از حفظ بگوید بسان نقالان شاهنامه ی مان، بلکه هومر، هم‌زمان در ارتباط با لاهوت (چونانچه فردوسی) همانی که به الهام دریافت می‌داشته به اشتراک می‌گذاشته! «بسرای ای الهه»، «با من بگوی، ای الهه شعر»، «با ما نیز، ای الهه، بگو این داستان را و آغازش کن از هرکجا که خواهی» و... همین سطور آغازین ایلیاد و حتی اودیسه نشانگر این است که هومر کاملاً می‌توانسته در یک آن در برابر دیگر کسان با لاهوت ارتباط بگیرد و موضوعی را شروع کند حتی دست الهام را چنان باز می‌گذارد و به مخاطب [ما] می‌آموزاند و می‌فهماند که او داستان را در همین آن، به هیچ عنوان نمی‌داند و یعنی حتی نمی‌داند می‌خواهد از کجا شروع شود پس به الهه شعر می‌گوید: «... آغازش کن از هرکجا که خواهی...»! این است که می‌گوییم کلام شاعر حقیقی است که به مقام استاد لطفی بی‌ادعا رسیده باشد؟ که تعیین کند من در ده شب به یک ساعت مشخص در برابر حضاری شعر خواهم گفت، البته در صورتی که بتواند در آن ساعت حادثه‌های ذهنی را دریا بد و نسبت به آن به شدت از عواطفی متأثر شود تا ارتباطش را با لاهوت برقرار سازد و شعری (نه شعرنمون، نه بلکه شعری به کمال) بسازد و ارائه کند و از این روال به ده شب متوالی! شعری که بتوان از هر لحاظ (هر ده شعر متفاوت از هم را) شعری موفق و مؤثر دانست! هرچند که احوال و امکان شعر و موسیقی با هم متفاوت باشند. این آن ناممکنی بود که استاد لطفی در موسیقی ممکن نمودند. (به یقین با هر اجرای موسیقی نمونی متفاوت است.)

لطفی قطعه ضربی را شروع خواهند کرد) حال چرا؟ دقیق که بنگریم معنی آن را درمی‌یابیم و آن این است، کسی به استادی ایشان که معتقد است و همیشه می‌گفتند: «آثار خود را نمی‌شنوم زیرا گوش هنرمند دزد است و (توجه کنیم) به کارهای خود عادت می‌کند و در هر کار بعدی، خود را به من تحمیل کرده و در نتیجه به تکرار می‌رسم، من آثار خود را نمی‌شنوم!» شخصیتی با این دیدگاه که همه می‌دانیم ایشان صاحب تمرین‌های «بیش از اندازه» بوده‌اند، و با شاگردی بسیاری از پیران موسیقی ایران و... ایشان یک دانه‌المعارف موسیقی اصیل ایرانی بودند و با ارجاع پذیری آثار شگفت آورشان همچنان نیز هستند. به اشاره‌ی حافظ جان «تا بلدانی که به چندین هنر آراسته‌ام» استاد محمدرضا لطفی با نوازندگی انواع سازهای سنتی ایران به همراهی آواز و خلاقیت‌های ایجاد کرده در آن... بنا به اقتضا به تقطیع‌های مولانایی معروف، کلام شعر را با مقاطع بیان کردن که مخالف آموزه‌های آوازه‌خوانان امروزم است توانسته بود که با تأکید بر آوای یک واک از کلمه و وصل به باقی کلام مفهوم‌های تازه خلق کند که در صورت خوانش ساده و درست واژه به واژه، شعر به تنهایی این «مفهوم نوین» را نمی‌رساند، مانند «شمس من و خدای من / (تکرار) شمس من و خدا-سی من» که در زبان محاوره ما «ای» در لفظ شنیداری، به اصطلاح «یک» معنا می‌دهد و معنای تازه‌ای در این شعر ایجاد کرده است (به قول حافظ «شعر تر») که این معنای نو تأویل اوست و از حقوق حقّه ایشان در جایگاه مؤلف، مؤلف موسیقی... یعنی «شمس من و خدا و تنها من» معنا می‌گرفت و نقطه «شدا» (شمس-خدا) یا خط «شمس-خدا» را به تالیفی از مثلث «شمس-خدا-من» (من = مولانا، لطفی، مخاطب) تبدیل نموده است اما باز نیز در آواز و خوانش آن... اکنون بداهه‌نوازی معنای اصیل خود را می‌نمایاند، که آنچه با تمرین، در پست‌های منزل و آموزشگاه و طبیعت و... می‌سازد یا ناخودآگاه (به معنای خودآگاه فروید، ضمیر هشیار) توست (ساختار و محتوا را با دقت هزاران بار بررسی کرده و سپس می‌نویسد و می‌نوازد و می‌شنوند و کمی و کاستی‌هایش را برطرف می‌کنند و می‌سازند و سپس اجرا می‌کنند، اما آنچه بدون کوچک‌ترین پیش‌زمینه‌ای هم‌اکنون، الساعه، فی‌الفور بدون هرگونه پیش‌اندیشی و هر طور برنامه‌ریختنی... در حقیقت ساختار و محتوا هم‌زمان باهم در حال شکل گرفتن است، (هنر نزد ایران یعنی

قهرمان‌ها



علی درزی - دبیر صفحه

در ادامه مسیر بررسی قهرمانان، چند کارگردان را بررسی می‌کنیم تا با خط و مشی سینمایشان بیشتر آشنا شویم.

حمید نعمت‌الله

مسعود کیمیایی را می‌توان یک مدرسه آکادمی در نظر گرفت، از خواننده‌هایی (سکانس‌های به یادگار مانده از فیلمفارسی) که در فیلم هایش معرفی کرد تا عوامل تیتراژ و فیلمبردار و دستیار، همه و همه بعدها به چهره‌های مشهوری در عرصه خودشان تبدیل شدند. حمید نعمت‌الله هم یکی از همین افراد است. نعمت‌الله کارش را با بوتیک شروع کرد، داستان حول ایتی (احترام) یک دختر فراری می‌گذرد، دختر عصیان کرده، این نوع شخصیت، شخصیت محبوب نعمت‌الله است که به اشکال دیگر در آثار بعدیش هم خود را نشان داد. ایتی که فقط به فکر رفتن است در بحبوحه مصائب فرار، تنهایی، گرسنگی و بی‌سرنواهی، جهان (جهانگیر) را می‌بیند که عاشقش شده! جهان به همراه دوستانش به صورت دسته جمعی در یک خانه زندگی می‌کنند. این نوع زندگی به اصطلاح مجردی و جمعی چند مرد در یک خانه هم، موقعیت مورد علاقه نعمت‌الله است و در فیلم دومش بی‌پولی هم نشان داده شد. قهرمانان نعمت‌الله از قهرمانان کلاسیک کمی فاصله می‌گیرد و سراغ قهرمانان مدرن می‌رود. قهرمان کلاسیکی که در فرهنگ و ادبیات ما جای دارد، غالباً مصائب معشوق است برای به دست آوردن، از لیلی و مجنون تا سام و نرگس. اما ایتی و جهان مسیر وارونه‌ای را طی می‌کنند، آنها برای کام وصال هیچ مشکلی ندارند و برای با هم بودن هیچ یک از آن گره‌های کلاسیک را ندارند، چون عملاً خانواده حذف شده. مشکلات عدیده به سمت هجو سنت می‌رود و سیلی واقعیت عشق مدرن را به صورت مخاطب می‌زند. این فیلم علاوه بر قصه به شخصیت هم پایبند است. بعلاوه تیپ‌های جذاب، بوتیک را می‌توان سرآغاز

فیلم های درام اجتماعی با این نوع نگاه دانست. دختران تابو شکنی که جز فرار چاره‌ای ندارند و پسران نادیده گرفته شده‌ای که جز کار و کار و کار چاره‌ای جز پذیرش باختن به پولدارها ندارند. نعمت‌الله در این فیلم با پایان غافلگیر کننده‌اش بدون هیچ ادبی خبر از یک فاجعه معنایی می‌دهد. او مفاهیمی چون خانواده، عشق و پول را بازآفرینی می‌کند. کار بعدی او که بی‌پولی است، یک فیلم طنز است. بی‌پولی یکی از طنزهای صاحب سبک سینمای ما محسوب می‌شود که با شخصیت پردازی‌های جذاب و شوخی‌های درست، در لوای طنز حرفش را می‌زند. شخصیت‌های لنگ در هوا با مشکلات عدیده، مخصوصاً مشکلاتی که ریشه در عقده‌ها دارد، در شخصیت پردازی‌های او بسیار دیده می‌شود. بی‌پولی و بوتیک به شدت قصه محورند، اما او در آرایش غلیظ با همان تمه فکری سراغ شخصیت‌های لنگ در هوایی می‌رود که در طول فیلم به لحاظ داستانی مسیر گره‌گشایی چندانی را طی نمی‌کنند ولی در عمق شخصیت‌ها به فاجعه بودن آن‌ها پی می‌بریم. فجایعی همچون عقده اتاق خواب نداشتن! او در آرایش غلیظ با حرکت در عمق به عقده‌های اصیل جوان ایرانی دهه پنجاه و شصت می‌پردازد! کلمه بی‌اخلاقی شاید کلمه درستی نباشد، اما او در فیلم‌هایش به واسطه شخصیت‌ها، اخلاق را باز آفرینی می‌کند، اخلاق به سمت ضد اخلاق‌های تابو شده سوق پیدا می‌کند. نعمت‌الله علاوه بر شخصیت‌های از پیش شکست خورده و مجبور، زنان مجبورتری را به نمایش درمی‌آورد. در رگ خواب این موضوع کاملاً مشهود است که انگار زن ضعیف ایرانی چاره‌ای جز قبول شکست ندارد، همانطور که در بی‌پولی چاره‌ای جز خنک بودن و انفعال ندارد! آنها پیش از هر نوع تلاشی، محکوم به شکستند. این تصویر زن ضعیف بیشتر از اینکه نشان از ضد زن بودن نعمت‌الله باشد، یک واقع‌گرایی نسبت به زنان جامعه است و بنابر همان مدرنیستی شخصیت‌هایش به سمت قهرمان سازی گیشه نمی‌رود، با نمایش این شخصیت‌های شکست خورده سعی بر تلنگر به ما را دارد. باید خاطر نشان کرد که نعمت‌الله یکی از بهترین سریال‌های تاریخ تلویزیون ما را ساخته، سریالی که خودش به تنهایی می‌تواند مورد نقد و بررسی واقع شود. البته نعمت‌الله هم بی‌نصیب از سانسور نبود، تقریباً پنج سالی هست منتظر اکران قاتل وحشی او هستیم، همین روزها باز صحبت از حضورش در جشنواره است.

عبدالرضا کاهانی

اگر شروع کار کاهانی را با فیلم آدم در نظر بگیریم، بیست و هیچ را باید ادامه روند رو به پیشرفتش بدانیم، یقیناً او یک استعداد ناب سینماست. (بودا) من اگر بخوام سینمای این سه فیلم، مخصوصاً آدم و هیچ را تفسیر کنم، از لفظ رئالیسم جادویی استفاده می‌کنم. اتفاقی بسیار عجیب اما باور کردنی در فیلم هایش رخ می‌دهد. زنی مرموز وارد

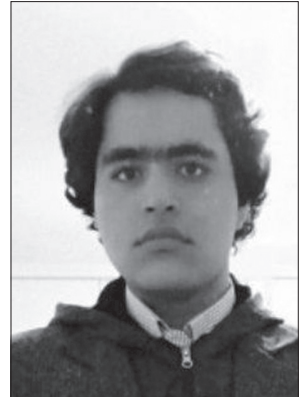
روستایی عجیب می‌شود، روستایی که هیچ مرگی در آن ثبت نشده، این زن به دنبال آدم (همه کاره روستا) می‌گردد. یا در فیلم هیچ، داستان مردیست از طبقه پایین جامعه که بدنش قابلیت تولید کلیه دارد! کاهانی در کارهایش دنیای ناب قصه‌اش را در بستر عجیب و غریب بودن شخصیت‌هایش روایت می‌کند. اما استعداد ناب او که نوید یک سینماگر صاحب سبک را به ما می‌داد، ناگهان از آن رئالیسم جادویی به سمت فضایی واقعی تر و طنز ایزورد تغییر مسیر داد. با سه فیلم، اسب حیوان نجیبی است، بی‌خود و بی‌جهت و استراحت مطلق، البته این مسیر هم برای مخاطب خالی از لطف نیست، اسب یک فیلم رئالیسم تایمی (زمان روایت فیلم همان زمانی است که در فیلم دیده می‌شود، پرش‌های زمانی بلند به جلو یا عقب ندارد). است که در یک شب اتفاق می‌افتد، شخصیت‌ها برای فراهم کردن باج یک استوار قلابی، دومینوار در پی اتفاقات وارد داستان می‌شوند. اتفاقات بامزه و خنده‌دار در لوای شخصیت‌های جذاب، کاهانی بعد از آن نگاه فانتزی به داستان در فیلم‌های اولش، یک جهش ژنتیکی را با این سه فیلمش تجربه کرد و از این لحاظ یکی از موفق‌ترین کارگردانان جوان محسوب می‌شود. این فیلم در بی‌خود و بی‌جهت به اوج می‌رسد و در استراحت مطلق تا اندازه ای افول می‌کند. (این روزها استقبال از صبحانه با زرافه‌ها را که می‌بینم با خودم می‌گویم اسب آن فیلم‌ها به این زرافه‌ها شرف دارد). بعد از این فیلم‌ها دیگر معلوم نشد کاهانی چه کار می‌خواست بکند، رفتار او مثل گاسپار نونه شده بود. فیلمنامه‌هایی را برای جواز به اداره ارشاد می‌فرستاد و بعد از کسب جواز، فیلم دیگری می‌ساخت یا فیلم دیگری از آب در می‌آمد. البته که سانسور یغماگر ایده‌هاست ولی گاهی، ایده‌ها چنان از پیش مورد عتاب واقع شده است که خالق، آن را در ذهنش پرورش نمی‌دهد. یاد مصاحبه‌ای از فرهادی افتادم که می‌گفت: خیلی از ایده‌ها در همان مرحله اولیه پرورش، مشخص می‌شود که به دلیل سانسور، قابلیت جاق شدن ندارد. اثر بعدی کاهانی، ارادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا شروع همین دست از حواشی بود، یا مثلاً به یاد دارم که گفته می‌شد اولین نقش جدی مهران غفوریان در کارنامه بازیگریش است. فیلمی که ما آخرش نفهمیدیم چه شد و بعد هم فیلمی با عنوان خانم یایا ساخت. کاهانی هم انگار بعد از استراحت مطلق، استراحت مطلق شد.

ابراهیم حاتمی‌کیا

حاتمی‌کیا سینمای بدنه ایران بعد از انقلاب است. کارگردان و فیلمنامه‌نویسی که خیلی زود مسیرش را پیدا کرد و با فیلم‌هایی همچون دیده‌بان، از کرخه تا راین، بوی پیراهن یوسف، برج مینو، آژانس شیشه‌ای و رویان قرمز کم‌کم تبدیل به سینمای بدنه شد. حاتمی‌کیا به لحاظ کارنامه کاری‌اش، آثارش دقیقاً مانند یک انسان زیسته از زمان اوایل جنگ تا به امروز است. حاتمی‌کیا اوایل به سمت

قهرمان سازی از نوع فیلم های جنگی رفت، تب جنگ مانند همه جوانان وطن او را هم گرفته بود و با شور حرارت از آن دوران فیلم‌هایی ساخت. حاتمی‌کیا یک تفاوت اصلی که با هم سوپه هایش دارد، فیلمنامه‌نویس بودن اوست، او اصولش را طبق قواعد فیلمنامه به درستی پیاده سازی می‌کند و از این لحاظ فرد مناسبی برای ساختن فیلم های سفارشی است. سفارش را به معنی بد آن نگیرید، (خوب است اما نه تا این حد که سریال موسی کلیم الله را بسازد!) جنگ با او عجین شده، البته برخلاف فیلم‌های متفاوتی که بازی می‌کند. بعد از آژانس شیشه‌ای که عالم و آدم گفتند بعد از ظهر سگی ایرانی است جز خودش! حاتمی‌کیا با همکاری فرهادی، ارتفاع پست را نوشتند و خودش ساخت. ارتفاع پست، به رنگ ارغوان، به نام پدر نگاه انتقادی حاتمی‌کیا به دوران پس از جنگ است. نگاهی نقادانه به آرمان‌های از دست شهیدان و از جنگ بازگشته‌ها. این برهه از فیلمسازی حاتمی‌کیا اگرچه متفاوت به نظر می‌سد، اما همانطور که گفتیم او یک انسان زیسته در اجتماع است، به همین خاطر این تناقض و پارادوکس مضمونی در آثارش کاملاً طبیعی است، چون جامعه کم‌کم به سمت انتقاد رفته بود! البته به رنگ ارغوانش را چند سالی توقیف کردند تا او هم پیه توقیف اثر به تنش خورده باشد. حاتمی‌کیا با این فیلم‌ها کم‌کم، خط (صراط مستقیم) مشی حفظ ارزش‌های آرمانی و جهادی‌اش را کج کرد تا اینکه متفاوت‌ترین فیلم خودش را با همکاری چيستنا یثربی نوشت و خودش ساخت. یعنی دعوت دعوت با همکاری بهترین بازیگرها و تبلیغات عالی به روی زبان‌ها افتاد. البته با یک اپیزود سانسور شده اکران شد تا حاتمی‌کیا هم تافته جدا بافته نباشد! دعوت انگار در مسیر زیستی حاتمی‌کیا تاثیر بسزایی داشت و یا بهتر است بگوییم او قصد داشت کم‌کم حاشیه امن خط قبلی‌اش را ترک کند و وارد خط دیگری بشود تا اینکه سال ۸۹ گزارش یک جشن را ساخت. فیلمی که مانند به رنگ ارغوان توقیف شد و هیچگاه هم اکران نشد. البته در پوشش خبری جشنواره آن سال کاملاً مشخص شد که مضمون فیلم چه بود! بعد از گذشت مدتی مشخص شد که گزارش یک جشن نه تنها باعث تغییر مسیر او نشده بود بلکه او را با صلابت هرچه تمام‌تر به مسیر اولیه‌اش بازگرداند و فیلم‌هایی چون چ، بادبگارد و به وقت شام را ساخت! با تمام این تفسیر نمی‌دانم چرا پروژه عظیم حضرت موسی را قبول کرد، پروژه‌ای که به دلیل تورم و قیمت دلار معلوم نیست کی قرار است تا مین بودجه شود! قهرمان‌های حاتمی‌کیا هم سینمایی تر محسوب می‌شوند. اصولاً قیام کنندگان اخلاقی‌ایی هستند که بنا بر اصول (گاهی سفارشی و گاهی مردمی) می‌جنگند تا به هدف برسند، حتی اگر شده به بهای جانانشان. کشته شدن یقیناً از اصول دراماتیک قهرمان سازی است، ولی گویا سینمای ما چاره‌ای جز کشتن قهرمان ندارد!

آیه‌های زمینی



محمد صالح فصیحی

یا نئوفرمالیسم یا ساختارگرایی. اما شاید نکوهش نشود وقتی پای چیزی باز میشود به اسم هرمنوتیک. وقتی پای چیزی باز میشود به اسم نقد مارکسیستی. یا هر نقد دیگری که از ساختار فرمیک آن هنر، پای معنا و محتوا را باز میکنند به روی مخاطب. البته که بین آن نقلی که در ابتدا گفتم، با این نقود مثلا مارکسیستی یا فمینیستی، تفاوتی وجود دارد و آن اینست که در آن نقد ابتدایی، منتقد-نویسنده، میتواند حتی از محوریت آن امری هم که با آن آغاز کرده است پیشتر برود و کلا از موضوع دور شود، چرا که نویسنده خود میخواسته به بهانه ی آن موضوع، آنی را بگوید، که میخواهد و میخواسته است. اما در نقد مارکسیستی دیگر همچو چیزی نیست. منتقد نمیتواند هر چیزی را بگوید به این بهانه. بلکه اگر چیزی میگوید از متن، این باید در متن موجود باشد و منتقد دقیقا با همان روند پیش برود. نمیشود دیگر هر چیزی را گفت. اما من - به قول بیهقی دبیر - چون این کار پیش گرفتم، میخواهم که داد این تاریخ به تمامی بدهم و گرد زویا و خیابا برگردم، تا هیچ چیز از احوال پوشیده نماند. و ایایی ندارم ازین که این نقد یادداشت ها شبیه شود به آن متون منتقدان گذشته، یا این نظریات جدید، یا هر چیزی که هست و نیست. که «ما باند کردیم باهم/ تریبون ساختیم از کاغذ...» (بهرام، بامداد؛ بگوشم). فیلم آیه های زمینی اما فیلمی نیست که بخواهد به شکل زیرزمینی ساخته و پخش شود. کل سانسوری که میشود از آن برداشتن چند ثانیه ای روسری است و غیر ازین چیزی نیست. اما اگر بخواهیم روراست تر باشیم، آیه های زمینی دقیقا همانی است که باید سانسور شود. کل فیلم زیر تیغ ارشاد، رنده شود و جان دهد. دلیلش هم واضح است. چرا نشود؟ وقتی که میکوشد بخشی از سیستم بوروکراسی-اداری را به تصویر بکشد، که در تمامی آن ها، نقش دین، بسیار برجسته است. شاید این نام گذاری هم به همین دلیل برگردد. که تمامی آن آیه های آسمانی، که قرار بوده

فیلم آیه های زمینی دقیقا همان چیزی است که به رغم مدعیان - لاید - تماما کاربلد، آنان که مو را از ماست و سوزن را از کوهی از کاه و سیاهی را از فیلم، تصویر، کتاب، مقاله، و هر آنچه که شما به عنوان کار فرهنگی- هنری میشناسید، بیرون میکشند، بیرون کشیده میشود و میشود چیزی در مایه های پیرهن عثمان کردن و هر شخصیت دیگری که میتوان از آن سواستفاده کرد. فیلم همانی است که میشود برایش جلسه گذاشت و هشتگ زد از تمامی نامتناهی سیاهی، که در شات به شات فیلم داد میکشد. در سالیان گذشته نقدی وجود داشت در ادبیات، که در آن منتقد نکته یا موردی را از متن برمیگرفت و سپس آن امر را محوریت سخن خود قرار میداد و میگفت و میگفت و ایایی هم نداشت ازین که سخنش از نقد بیرون کشیده شود و چیزی بشود فرای از نقد یا جدای از نقد. این نقد نکوهش میشود آنگاه که نظریه ای اصل باشد مانند فرمالیسم

زدن دختر در بخش دوم، که با وجود اینکه به زیانش میخورد، اما باز معلوم است که این دیالوگ تو دهانش گذاشته شده است جای اینکه این دیالوگ را خود دختر بگوید. تو چشم میزند. جز این دو مورد، بخش های دیگر عالی است برای شروع و تشدید تنفر از سیستم. سیستمی که با دلایل واهی و خرافاتی و ضدانسانی، در لوای مقدسات، خود را به مردمش اماله میکند. همین است که هست، همین است که میبینید. برق نیست، آب نیست، گاز نیست، هوا نیست، و به جایش درد هست، فقر هست، تورم هست، تبعیض هست. خوش و خرم و مست از سن بالایش آیه های زمینی چند مثال ساده است از چگونگی له شدن، یا بهتر بگوییم، سرکوب مردم به دست مردم. در جزء جزء اعضای یک زندگی ساده: «زندگی چیه جز دوتا دوست، غذا و سفر خوب؟ که اونم گرفتن ازمون! - بهرام، سورنا؛ مهلکه»

انسان را ببرد به آسمان، چنان او را به زمین غل و زنجیر کرده است که او توان تکان خوردن ندارد. راهی باز نیست به رویش. فرقی هم ندارد که این فرد، کودک باشد یا بزرگ، از همان کودکی با امری به نام تکلیف شرعی، ترس از نمره و تعلیم و تنبیه او را به بندی میکشد که به ظاهر در یک چادر بلند سفید و مقنعه ای که تا چانه را میپوشاند و رنگ هایی که حتی اگر خوب باشد، باز باب میل فرد-دختر نیست، خلاصه میشود، و همین طور گرفته و گرفته تا وقتی که میرسد به افراد دیگر، در سنین دیگر. نظر من اینست که شروع و پایان فیلم قطعا شعاری است، اما سوازی این، بخش اول - دیوید - تنها بخشی است که من با شخصیت همسان پنداری ندارم و خودم مخالفشم. هرچند که دلایل ثبت احوال مسخره است، ولی نفس حرفش درست است. هرچند که «شعوریت معلومه از کیفیت نقلت! - داغ، بهرام» هم این نکته هست، هم حرف



معلم‌ها!

آنچه یاد می‌گیرند و چیزی که درس می‌دهند



کوثر شیخ نجلی، کارشناس مسائل آموزشی با اشاره به تعاریف نوین از سواد می‌گوید این تعاریف مفهومی جامع‌تر از آموزش را در بر می‌گیرند حال آن که نظام آموزشی ما بیشتر روی محتوای تئوری و نمرات آزمون‌ها تمرکز دارد و به بسیاری از مهارت‌های ضروری زندگی بی‌توجه است. به گزارش ایرنا، مسائل مربوط به کنکور از جمله چند و چون تأثیرگذاری معدل در قبولی دانشگاه‌ها ملت‌ها است ذهن و توجه میلیون‌ها دانش‌آموز و خانواده‌هایشان را درگیر خود کرده‌است. در یکی از آخرین تصمیم‌گیری‌ها در این زمینه، وزیر آموزش و پرورش چند روز پیش خبر داد شورای عالی آموزش و پرورش با کلیات ترمیم مجدد معدل با یک سری شروط موافقت کرده که جزئیات آن پس از ابلاغ رئیس جمهوری اعلام می‌شود. با وجود چاره‌جویی‌هایی اینچنین، بسیاری می‌گویند نظام آموزشی مانیز به دگرگونی‌های ساختاری دارد. از منظر منتقدان، نظام آموزشی همچنان به نمرات و آزمون‌های تئوری می‌پردازد و به جنبه‌های ضروری تربیت انسانی و آماده‌سازی برای زندگی اجتماعی و شغلی توجه چندانی ندارد. این تمرکز، نه تنها فشار مضاعفی بر دانش‌آموزان وارد می‌کند، بلکه باعث بیکاری فارغ‌التحصیلان و ناکارآمدی در بازار کار می‌شود. منتقدان می‌گویند سیستم متمرکز بر نمرات و آزمون‌ها، نه تنها نتایج مثبت ناچیزی در پی دارد، بلکه نارضایتی‌های عمیقی در میان دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان ایجاد کرده‌است. در حالی که بسیاری از کشورهای پیشرفته توجه ویژه‌ای به تربیت مهارت‌ها و توانمندی‌های انسانی دارند. در پیوند با مسائل یادشده، پژوهشگر ایرنا گفت‌وگویی با کوثر شیخ نجلی، کارشناس مسائل آموزشی داشته که مشروح آن را در ادامه می‌خوانیم. نظام آموزشی ما و مسائلی مانند بیکاری و بیسوالی به گفته شیخ نجلی، وضعیت فعلی آموزش ما با یاد شاخص اصلی میزان قبولی در کنکور و معدل آزمون‌های نهایی سنجیده می‌شود. این شاخص‌ها به‌طور سطحی وضعیت آموزشی را نشان می‌دهند اما قادر به درک مشکلات اساسی و ریشه‌های سیستم آموزشی نیستند. به‌طور خاص، باید از خود پرسیم که آیا هدف آموزش و پرورش فقط کسب نمرات بالا توسط دانش‌آموزان است یا اینکه آموزش باید به‌طور بنیادی بر تربیت افرادی برای زندگی اجتماعی و شغلی موفق متمرکز باشد. در حال حاضر، سیستم آموزشی کشور تنها بر نتایج آزمون‌ها تمرکز کرده و از جنبه‌های اصلی تربیت انسانی غافل است. اگر هدف آموزش، تربیت افراد برای ورود سالم به جامعه باشد، نتیجه آن در وضعیت کنونی جامعه نمایان است. با گذراندن ۱۲ سال در مدارس و چهار سال در دانشگاه‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان اغلب با مشکلات جدی در پیدا کردن شغل مواجهند. جالب‌تر آنکه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی حدود ۴۳ درصد از جمعیت بیکاران تشکیل می‌دهند (طبق بررسی‌های مرکز آمار ایران از آخرین نرخ بیکاری در بهار ۱۴۰۳). این نشان می‌دهد که تحصیلات دانشگاهی در واقع نتوانسته است تأثیر ملموسی در کاهش نرخ بیکاری یا افزایش توانمندی‌های شغلی افراد بگذارد. بنابر این می‌توان گفت که آموزش در بسیار مواقع به‌طور سطحی و بدون توجه به نیازهای واقعی بازار کار و جامعه پیگیری می‌شود. از سوی دیگر، اگر هدف آموزش باسواد کردن افراد باشد، سیستم آموزشی در زمینه‌های متعددی از اهداف خود بازمانده است. بنابر اعلام یونسکو، سواد به معنی توانایی خواندن و نوشتن نیست، بلکه به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌های مختلف اشاره دارد. این تعریف جدید سواد شامل مواردی چون سواد عاطفی (توانایی مدیریت احساسات و ارتباط مؤثر با دیگران)، سواد مالی (مدیریت منابع مالی و آشنایی با اصول اقتصادی)، سواد سلامت (اطلاعات تغذیه‌ای و مراقبت از بدن)، سواد رایانه‌ای (توانایی استفاده از فناوری‌های جدید)، سواد ارتباطی (مهارت‌های اجتماعی و آداب معاشرت) و بسیاری از مهارت‌های دیگر است.

آموزش سرمایه‌گذاری است یا وظیفه اجباری؟

این کارشناس مسائل آموزشی می‌افزاید: در حالی که این تعاریف مدرن از سواد مفهومی جامع‌تر از آموزش را در بر می‌گیرند، سیستم آموزشی ما عمدتاً روی محتوای تئوری و نمرات آزمون‌ها تمرکز دارد و به بسیاری از مهارت‌های ضروری زندگی بی‌توجه است. در نتیجه، این وضعیت به دانش‌آموزان و

دانشجویان این امکان را نمی‌دهد که به‌طور کامل برای زندگی در جامعه آماده شوند. سیستم آموزشی ما باید به‌طور جدی به بازنگری در اهداف و روش‌های تدریس بپردازد و به‌جای تمرکز صرف بر نمرات، به تربیت مهارت‌های زندگی واقعی و توانمندی‌های اجتماعی توجه کند. در کشورهای پیشرفته مانند ژاپن و سنگاپور، آموزش به عنوان یک سرمایه‌سازی تلقی می‌شود و باور بر این است که تربیت نیروی انسانی سالم و شایسته، زمینه‌ساز پیشرفت در اقتصاد سیاست و محیط زیست خواهد بود. در مقابل، در ایران آموزش و پرورش شاید به‌عنوان یک امر موظفی در نظر گرفته می‌شود. این تفاوت نگرش‌ها به وضوح در تخصیص منابع مشهود است؛ برای مثال، سرانه هزینه‌های آموزشی در سنگاپور سالیانه ۱۱ هزار دلار است، در حالی که باید دید و قیاس کرد که این میزان در بودجه سالانه ما چقدر تعیین می‌شود و چند درصد آن تحقق می‌یابد. نابرابری‌ها و شکاف‌های موجود در سیستم آموزشی شیخ نجلی در پاسخ به پرسشی در زمینه عملکرد نظام آموزش و پرورش در حوزه عدالت آموزشی اظهار می‌دارد: با وجود قانون الزام برای فراهم کردن آموزش با کیفیت برای همه،

همچنان بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل شرایط نابرابر از تحصیل محروم می‌شوند. با گشایش مدارس در مهرماه امسال اعلام شد حدود ۱۶ هزار کودک بازمانده از تحصیل در کشور شناسایی شده‌اند. گروهی از روستاییان به دلیل دوری راه و مدارس فاقد امکانات، از تحصیل باز می‌مانند و مدارس در شرایط نامناسب با کمبود معلم و امکانات روبه‌رو هستند. رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس اخیراً از وجود هزار مدرسه سنگی در کشور خبر داده است. در حالی که در کشورهای پیشرفته آموزش عمومی و رایگان در اختیار همه قرار می‌گیرد، در ایران علاوه بر کمبود امکانات، سیستم آموزشی شامل انواع مدارس با امکانات و کیفیت‌های متفاوت است؛ به‌ویژه مدارس تیزهوشان که کودکان را بر اساس یک آزمون ورودی از دیگران جدا می‌کنند، به نوعی پیام تبعیض آمیز به جامعه ارسال می‌کند و بسیاری از دانش‌آموزان را از دسترسی به فرصت‌های برابر محروم می‌سازد. در سیستم آموزشی ما، دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان تحت فشار شدید برای حفظ عنوان تیزهوش و دستیابی به موفقیت‌های کنکوری قرار دارند. این فشار باعث افسردگی، اضطراب و حتی خودکشی در برخی از آنها می‌شود. آنها خود را به‌عنوان گروهی برتر می‌بینند اما این احساس برتری باعث انزوا و ناتوانی در ارتباط همدلانه با دیگران می‌شود. جامعه و خانواده‌ها نیز از آنها توقع دارند که در رشته‌هایی مثل پزشکی ادامه تحصیل دهند، حتی اگر استعداد واقعی آنها در زمینه‌های دیگر مانند

اقتصاد یا هنر باشد. در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند ژاپن، فنلاند و آلمان، مدارس تیزهوشان وجود ندارند و به‌جای آن، دانش‌آموزان بر اساس انواع هوش‌های مختلف شناسایی و حمایت می‌شوند. به باور روان‌شناسان، هر فرد با چندین نوع هوش خاص می‌تواند جامعه را شکل دهد، نه فقط کسانی که در آزمون‌های مشخص موفق بوده‌اند.

نادیده گرفتن استعدادهای دانش‌آموزان و معیارهای ناکافی برای استخدام معلمان

شیخ نجلی ادامه می‌دهد: نظام آموزشی به‌طور جدی به کشف و پرورش استعدادهای مختلف توجه نکرده است. در حال حاضر، با بحرانی‌هایی مانند کمبود مدیران کارآمد، معلمان ماهر و کارآفرینان روبه‌رو هستیم. تحول واقعی در نظام آموزشی باید به رشد افراد بر اساس استعداد و تیپ شخصیتی آنها بپردازد، نه اینکه افراد را در مسیرهای نادرست قرار دهد. معلمان در این سیستم نقش تعیین‌کننده دارند، اما با مشکلاتی مانند گزینش نادرست، مهاجرت معلمان از مناطق محروم،

کمبود آموزش‌های حرفه‌ای و نداشتن اختیارات کافی مواجهند.

این مشکلات باعث می‌شود که معلمان نتوانند به‌طور مؤثر عمل کنند و به سیستم آموزشی آسیب وارد شود. در این میان باید به این نکته اشاره کرد که معیارهای گزینش معلمان بیشتر عقیدتی و سلیقه‌ای هستند تا علمی و تخصصی. مهارت‌های تخصصی معلمان کمترین وزن را در این فرایند دارند، در حالی که معلمانانی که قرار است انسان تربیت کنند باید از جنبه‌های روانشناسی و رفتار انسانی آگاهی داشته باشند. برای مثال، آیا معلمی که به مناطق کم‌برخوردار فرستاده می‌شود، مهارت‌هایی مانند کنترل خشم یا روانشناسی نوجوان را آموخته است؟

در برخی از موارد، معلمان با اختلالات روانی مانند پارونیا، وسواس فکری عملی و شخصیت‌آنتی سوشیال وارد مدارس می‌شوند و با رفتار نادرست خود آسیب‌هایی به دانش‌آموزان وارد می‌کنند. این در حالی است که با انجام آزمایشات روان‌شناختی مانند و مشاوره، می‌توان از ورود چنین افرادی به سیستم آموزشی جلوگیری کرد. به‌جای استفاده از کتاب‌ها و روش‌های تربیتی به‌روز و عملی، معلمان همچنان با منابع قدیمی و تئوری‌های روانشناسی کلاسیک آموزش می‌بینند که نیازهای واقعی کلاس‌های درس را برآورده نمی‌کنند. این معلمان با شیوه‌های کلاس‌داری قدیمی، قادر به برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان نیستند و در نتیجه کلاس‌هایشان عقیم می‌ماند. همچنین، معلمان در مناطق محروم به دلیل شرایط نامساعد، عدم امکانات و نبود تشویق‌های کافی، مجبور به

بنابر اعلام یونسکو، سواد به معنای توانایی خواندن و نوشتن نیست، بلکه به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌های مختلف اشاره دارد

ترک این مناطق می‌شوند. سیاست‌های اجباری برای نگه داشتن معلمان در این مناطق هم تنها منجر به مهاجرت آنها و باعث می‌شود که این مناطق از معلمان حرفه‌ای و متخصص بی‌بهره بمانند. این کارشناس مسائل آموزشی به این پرسش که این آسیب‌ها آیا تنها معطوف به مدارس دولتی است؟ چنین پاسخ می‌دهد: در مدارس غیرانتفاعی هم تأمین نیروی انسانی با مشکلات جدی روبه‌رو است. بسیاری از معلمان این مدارس بازنشسته یا از طریق ساعات اضافه‌کاری در این مدارس مشغول به کار هستند و به دلیل ارتباط با مدیران، حتی بدون داشتن صلاحیت‌های لازم تدریس می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود که خانواده‌ها که به دلیل شلوغی کلاس‌ها در مدارس دولتی، مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف شده‌اند، خدمات آموزشی کمتری دریافت کنند. همچنین، دوره‌های ضمن خدمت معلمان اغلب محتوای نامناسب و بی‌ربط به نیازهای واقعی کلاس‌ها دارند. به‌عنوان مثال، آموزش کمک‌های اولیه برای معلمان که می‌تواند جان دانش‌آموزان را نجات دهد، در مقایسه با جزوه‌های عقیدتی که معلمان در دوره‌های ضمن خدمت دریافت می‌کنند، نادیده گرفته می‌شود. به گفته شیخ نجلی، برخی معتقدند که تغییرات در نظام آموزشی باید از پایین به بالا شروع شود، اما در سیستم فعلی، معلمان به‌عنوان افرادی که تنها به اجرای محتوای از پیش تعیین شده مشغولند، نمی‌توانند خلاقیت و ابتکار خود را به کار گیرند. آنها مجبورند طبق برنامه‌های ثابت و میکروکوب شده در کتاب‌های درسی تدریس کنند و هیچ‌گونه اختیاری در تغییر روش یا محتوا ندارند. در این شرایط، اگر معلمی بخواهد به‌جای حفظ کردن مطالب، فعالیت‌های علمی و آزمایشی ترتیب دهد، ممکن است از طرف مسئولان آموزش و پرورش و حتی والدین تحت فشار قرار گیرد. برای ایجاد تحولی واقعی، باید به معلمان استقلال داده شود تا متناسب با ویژگی‌های کلاس و نیازهای دانش‌آموزان تدریس کنند. کشورهایمانند استونی با دادن این آزادی به معلمان، در زمینه آموزش موفق‌تر از بسیاری از کشورهای عمل کرده‌اند. پس به نظر تان محتوای آموزشی متناسب با نیاز انسان امروزی تدوین نشده‌اند و لازم است تغییر کند؟ وی در پاسخ به این پرسش بیان می‌دارد: مقایسه‌های میان کشورهای موفق در آموزش مانند استونی و کانادا، نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در این کشورها تنها در سه یا چهار درس اصلی امتحان می‌دهند، در حالی که در ایران یک دانش‌آموز در پایه دوازدهم با بیش از ۱۴ عنوان درسی روبه‌رو است. این رویکرد نه تنها موجب ایجاد فشار روانی و بی‌حوصلگی در دانش‌آموزان می‌شود، بلکه منابع طبیعی کشور را نیز به هدر می‌دهد. برای تولید کتب درسی هر ساله میلیون‌ها درخت قطع می‌شود بدون آن‌که این کتب به‌طور مؤثر به کار گرفته شوند. علاوه بر این، محتوای درسی به‌شکل الکترونیکی و به‌روز جایگزین روش‌های قدیمی و کاغذی در بسیاری از کشورها شده است، نکته دیگر در رابطه با دروس اختیاری است که با مفهومی غلط وارد سیستم آموزشی ما شده‌اند. این دروس، برخلاف تصور، در بسیاری از کشورها به‌عنوان دروس کلیدی انتخابی برای تخصص‌های آینده دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود اما در کشور ما بیشتر جنبه بی‌اهمیت و غیرضروری پیدا کرده است. در عین حال، دانش‌آموزان با انواع منابع آنلاین و ابزارهای دیجیتال خودشان به دنبال یادگیری مهارت‌های جدید و کسب درآمد هستند، اما سیستم آموزشی نتوانسته است آن‌ها را به‌درستی هدایت کند. در رابطه با سیستم قبولی در دانشگاه‌ها و تأثیر معدل، لازم است که وضعیت کنکور اصلاح شود. در کشورهای پیشرفته دیگر خبری از آزمون‌های سراسری مانند کنکور نیست. سیستم‌های آموزشی این کشورها به‌جای تمرکز بر یک آزمون مشخص، بر ارزیابی‌های جامع‌تر و آگاهانه‌تر تأکید دارند. اینجاست تأثیر نمرات و معدل به‌طور غیرمنصفانه‌ای به دنبال فشار بیش از حد به دانش‌آموزان است که به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار با مشکلات مضاعفی روبه‌رو می‌شوند. برای تغییر این وضعیت، باید نگرش کلی به آموزش تغییر کند. حذف کنکور، اصلاح محتوای درسی، تربیت معلمان با توجه به نیازهای امروز و متصل کردن آموزش به بازار کار و آموزش عالی، گام‌های ضروری برای اصلاح سیستم آموزشی هستند. تنها با تغییر این ساختارها است که می‌توانیم نسل‌هایی کارآمدتر و شادتر تربیت کنیم.

بودجه وزیر ساخت نیاز سومین دیوار دفاعی

با وجود نابودی بخش‌های گسترده آن همچنان نماد چند هزار ساله عشق ایرانیان برای پاسداری از مرزهای این کهن سرزمین است

اجرای پروژه‌های کاوش، احیا و مرمت این اثر تاریخی نیازمند تعیین ردیف اعتبار ملی است که بر اساس آن طی یک برنامه بلند مدت زمینه برای ارائه خدمات گردشگری در مسیر دیوار فراهم شود. عمرانی افزود: با توجه به گستردگی و طولانی بودن مسیر دیوار تاریخی گرگان به عنوان یک اثر شاخص استانی و ملی، برای ادامه پروژه‌های مرمتی، حفاظتی و احیا به طور مستمر سالیانه به ۲۰۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز داریم و امیدواریم با پشتیبانی دولت چهاردهم این خواسته محقق شود. وی ادامه داد: همچنین از ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی‌ها هم در طول مسیر دیوار تاریخی گرگان برای ایجاد تاسیسات و خدمات گردشگری استقبال می‌شود. مدیر پایگاه دیوار بزرگ گرگان بیان کرد: ایجاد پنج پایگاه اطلاع رسانی در مسیر دیوار برنامه‌ریزی شد که ساخت نخستین پایگاه در حوزه روستای قله جیق بزرگ گمیشان تاکنون ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. پرونده مقدماتی ثبت جهانی این اثر تاریخی در یونسکو تایید شده و اقدامات برای تکمیل پرونده شامل آماده سازی زیرساخت‌هایی برای حضور گردشگران با تکمیل نقشه برداری، نصب تابلو راهنما و ایجاد مجتمع‌های گردشگری (هتل، کمپ، رستوران و بوم گردی) در طول مسیر در حال انجام است. وجود طبیعت رنگارنگ و دل‌فریب جنگل‌های سرسبز هیرکانی و پارک ملی گلستان، بهره‌مندی از وسیع‌ترین بافت تاریخی شهری زنده شمال کشور در گرگان، برخورداری از آثار طبیعی و تاریخی منحصر به فرد مانند آبشار کبودوال به عنوان بلندترین آبشار خزه‌ای ایران، برج قابوس بلندترین برج آجری جهان، دیوار دفاعی گرگان طولانی‌ترین دیوار دست ساخت بشر بعد از دیوار چین و آلمان و همچنین برخورداری از تنها جزیره ایرانی دریای خزر با یک ساحل بکر در کنار دریای خزر و خلیج گرگان و وجود منطقه آزاد تجاری صنعتی اینچه برون از جمله ظرفیت‌های گردشگری گلستان است. تپه‌ها، قلعه‌ها، مساجد زیبا، زیارتگاه‌ها، برج‌ها، کانون‌های شهری و روستایی تاریخی، کاخ‌ها، پل‌ها، معابر و گذرگاه‌های تاریخی، امام زاده‌ها و آرامگاه و آداب و رسوم اقوام ساکن، از دیگر جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی گلستان شناخته می‌شود که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب و بکارگیری شیوه‌های نوین تبلیغات می‌تواند نقش چشم‌گیری در جذب گردشگران داخلی و خارجی داشته باشد.



گردشگری انجام شد. وی ادامه داد: توسعه گردشگری در این اثر تاریخی نیازمند تخصیص اعتبارات مصوب سالیانه برای انجام حفاری، مرمت و احیای یکی از ۳۴ قلعه ساخته شده و بخشی از دیوار و همچنین ایجاد مراکز اقامتی و پذیرایی در محدوده آن است. مدیر پایگاه دیوار بزرگ گرگان، ایجاد اقامتگاه گردشگری با امکاناتی مانند سرویس بهداشتی، نمازخانه و فضاهایی برای استراحت و خرید لوازم ضروری را در بیشتر شدن مدت ماندگاری گردشگران در مسیر دیوار موثر دانست و گفت: با ایجاد زیرساخت‌های لازم، گردشگران بعد از بازدید از دیوار تاریخی گرگان در طول مسیر با ظرفیت‌های فرهنگی و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی، صنایع دستی و خوراکی‌های محلی، آداب و رسوم و موسیقی قومیت‌های مختلف ترکمن، بلوچ و سیستانی ساکن آشنا می‌شود. همچنین کشاورزی، پرورش ماهی، شترداری و سوارکاری از دیگر ظرفیت‌های اقتصادی شهرستان‌های در طول مسیر دیوار گرگان است که باید به درستی معرفی شود تا گردشگران بعد از بازدید از این دیوار از دیگر جاذبه‌های گلستان از جمله برج قابوس و یا شهر تاریخی جرجان دیدن کنند. عمرانی با اشاره به اینکه از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۴۰۲ فقط ۲۲۰ میلیارد ریال به این پایگاه برای تملک و آزادسازی عرصه و حریم، ساماندهی ساختمان اداری، تکمیل پایگاه اطلاع‌رسانی و انجام کاوش باستان‌شناسی اختصاص یافت، گفت:

شرقی شهرستان کلاله قابل مشاهده است. طبق اعلام کارشناسان، علاوه بر اجرای برنامه‌های کاوش در مسیر دیوار تاریخی گرگان که برای مطالعات باستان‌شناسی انجام می‌شود، می‌توان با حفاری یکی از ۳۴ قلعه موجود در مسیر و بخشی از دیوار و اجرای اقدامات مرمتی و حفاظتی بر روی آن، زمینه بازدید بیشتر گردشگران را از این اثر مهم تاریخی فراهم کرد. مشاهده و لمس اثر از نزدیک یکی از ملزومات جذب گردشگر محسوب می‌شود و هر چه شرایط بهتری برای اکتشاف بخش‌های مختلفی از یادگار دوره ساسانی فراهم شود به همان نسبت شاهد استقبال بیشتر گردشگران داخلی و خارجی برای بازدید از این اثر با ارزش خواهیم بود. مدیر پایگاه دیوار بزرگ گرگان با تاکید بر اینکه این یادگار بازمانده از دوران امپراتوری ساسانی معرفی کننده گوشه‌ای از تاریخ غنی و کهن ایران زمین است، بیان کرد: انجام اقداماتی با تمرکز بر مطالعه، نگهداری، مرمت و احیای دیوار در مسیر شرق به غرب گلستان می‌تواند زمینه را برای حضور بیشتر گردشگران در استان فراهم سازد. حمید عمرانی، دیوار بزرگ گرگان را به دلیل امتداد از شرق به غرب گلستان و عبور از هفت شهرستان در طول مسیر دارای ظرفیت خوبی برای مطرح شدن به عنوان محور توسعه استان برشمرد و افزود: در ۵۰ سال گذشته فقط ۲ هزار مترمربع حفاری و کاوش در طول مسیر دیوار برای مطالعات باستان‌شناسی نه توسعه

دیوار تاریخی و ۲۰۰ کیلومتری گرگان که عنوان افتخارآمیز سومین دیوار دفاعی جهان را در اختیار دارد، از بستر مناسبی برای گردشگران داخلی و خارجی برخوردار است که پشتیبانی دولت چهاردهم برای فراهم کردن زیرساخت‌های جذب گردشگران و معرفی این اثر کم‌مانند جهانی، می‌تواند به شکوفایی بیشتر گلستان منجر شود. به گزارش ایرنا، دیوار تاریخی گرگان از کوه‌های گلی‌داغ در مراره تپه آغاز شده و تا سواحل گمیشان ادامه دارد و پس از دیوار چین با ۶ هزار کیلومتر و دیوار آلمان با حدود ۵۵۰ کیلومتر، سومین دیوار طولانی جهان محسوب می‌شود که در زمان تاسیس خود کاربری‌های مختلفی از جمله دفاعی و نظامی داشته است. دیوار بزرگ گرگان و تاسیسات وابسته آن که با نام‌های دیوار سرخ، دربند گرگان، دربند خزران، باب‌الابواب، سد ایران و توران، سد یاجوج و ماجوج، سد اسکندر، سد پیروز، سد خسرو، سد انوشیروان، سد قول آلان و مارسرخ هم شناخته می‌شود یادگار ساسانیان در شمال شرق ایران و استان گلستان برای محافظت از مرزها در مقابل هجوم قبایل مهاجم است. این شاهکار مهندسی نظامی دوره امپراتوری ساسانی در حوزه فرهنگی که با خشت و آجر برای جلوگیری از تاخت و تاز اقوام بیابانگرد ساخته شد با وجود نابودی بخش‌های گسترده آن همچنان نماد چند هزار ساله عشق ایرانیان برای پاسداری از مرزهای این کهن سرزمین است. نخستین بار اریک اشمیت آمریکایی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی با پرواز بر روی شهرهای ایران و دشت گرگان موفق به شناسایی ۱۷۰ کیلومتر از مسیر و تاسیسات وابسته دیوار تاریخی گرگان شد و بستر لازم را برای مطالعات گسترده باستان‌شناسی فراهم کرد و بعد از آن مرحوم محمد یوسف کیانی سرپرست هیأت کاوش‌های باستان‌شناسی دشت گرگان در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی با پرواز مجدد بر روی دیوار موفق به شناسایی مسیر و تاسیسات وابسته آن از سواحل شرقی دریای کاسپین تا کوه‌های پیشکمر در ارتفاعات معروف به عرب‌داغ شد. نتایج بررسی هوایی مرحوم کیانی با همکاری مرحوم محمد مهریار، منجر به ارائه نخستین نقشه مسیر دیوار بزرگ گرگان و تاسیسات وابسته به طول ۲۰۰ کیلومتر شد و امروزه بقایای دیوار تاریخی از کرانه‌های شرقی دریای خزر تا ارتفاعات و دره‌های البرز شرقی در دامنه بیلی کوه در پارک ملی گلستان نزدیک روستای زاو در شمال

گلستان، سه کارخانه قند جوین، شیروان و شیرین خراسان، قرارداد کشت بسته و خدمات خود را از جمله تامین بذر و سایر نهاده‌های مورد نیاز و آماده سازی زمین برای کشت و برداشت محصول انجام می‌دهند. موسی‌خانی گفت: سال کشاورزی قبل سطح برداشت محصول چغندر قند در استان سه هزار و ۷۷۰ هکتار بود که از این سطح ۲۳۰ هزار تن محصول برداشت و روانه کارخانه‌های طرف قرارداد با بهره‌برداران شد. رییس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهادکشاورزی گلستان در خصوص جلوگیری از خام فروشی چغندر قند هم افزود: این استان از ظرفیت بالایی برای توسعه و پایداری زراعت چغندر قند برخوردار است و برای ایجاد صنایع تبدیلی و فرآوری این محصول در منطقه به همکاری بیشتر دستگاه‌های مرتبط برای

جلد سرمایه‌گذاران نیاز دارد. به گفته کارشناسان کشاورزی، چغندر قند یکی از محصولات کشاورزی نیازمند آب زیاد است ولی در کشت پاییزه، بخش عمده آب مورد نیاز این محصول از باران تامین می‌شود و نگرانی برای مصرف زیاد آب در مراحل گوناگون کشت وجود ندارد. به اعتقاد کارشناسان مرکز تحقیقات، آموزش کشاورزی و منابع طبیعی گلستان، طرح توسعه زراعت پاییزه چغندر قند در استان از لحاظ آب‌بری توجیه اقتصادی دارد، چون علاوه بر رعایت تناوب زراعی با دیگر محصولات زراعی پاییز و افزایش عملکرد در واحد سطح، عمده نیاز آبی این زراعت از آب سبز (نزولات جوی) تامین می‌شود و فقط در مواجهه با خشکی به حداکثر ۲ نوبت آبیاری (تا سقف سه هزار متر مکعب) نیاز پیدا خواهد کرد.

رییس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهادکشاورزی گلستان گفت: اجرای کشت قراردادی چغندر قند موجب استقبال بیش از ۲ برابری بهره‌برداران استان برای کشت این محصول پاییزه شد. به گزارش روابط عمومی، علی موسی‌خانی اظهار کرد: علاوه بر این عملکرد خیلی خوب تولید در واحد سطح در سال کشاورزی قبل و ارائه خدمات کارخانه‌های قند طرف قرارداد به بهره‌برداران منطقه و توجیه اقتصادی بالای کشت چغندر قند نسبت به زراعت سایر محصولات پاییزه، از دیگر دلایل افزایش سطح زیر کشت این محصول است. وی خاطر نشان کرد: امسال برای کشت چغندر قند در هفت هزار و ۸۰۰ هکتار قرارداد بسته شده و تاکنون هفت هزار و ۱۹۰ هکتار آن به زیر کشت این محصول رفته است. موسی‌خانی ادامه داد: برای کشت چغندر در

کشت قراردادی چغندر قند ۲ برابر شد